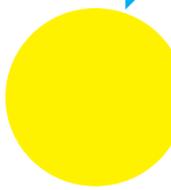


# ایران



- صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
- مدیر مسئول: صادق حسین جابری انصاری
- سردبیر: هادی خسروشاهین

- مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران
- رئیس هیات مدیره: صادق حسین جابری انصاری
- مدیرعامل: علی متقیان
- تلفن: ۸۸۷۶۱۲۰۴ • شماره: ۸۸۷۶۱۲۵۴ • ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵ • امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
- پیامک: ۳۰۰۴۵۱۳۳ • روابط عمومی: صندوق پستی: ۱۵۸۷۵۰۵۳۸۸
- نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • توزیع: نشر گستر امروز • چاپ: چاپخانه های همشهری
- سازمان آگهی های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
- پذیرش سازمان آگهی ها: ۱۸۷۷ • انتشارات مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران: ۸۸۵۰۴۱۱۳

پیامبر(ص): زینت سخن، راستگویی است.



سخن روز

من لایحه‌ره الفقیه، ج ۴، ص ۴۰۲



## استقبال بلند از جشنواره کوتاه

شدند. دکتر صالحی در این دیار بر اهمیت جشنواره فیلم کوتاه تأکید و آن را سکوئی برای معرفی استعداد های نو در سینمای ایران توصیف کرد. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در جمع خبرنگاران در جشنواره فیلم کوتاه با بیان اینکه جشنواره به رویای فیلمسازان جوان تبدیل شده است، به استقبال از چهل و دومین جشنواره فیلم کوتاه تهران اشاره کرد و گفت: «با توجه به اینکه این جشنواره با مرکز شهر تهران فاصله دارد، اما شاهد استقبال از آن هستیم. این استقبال نشان می دهد که جشنواره به رویایی کوتاه برای فیلمسازان جوان تبدیل شده است که می تواند به رویای بلند وصل شود. رویای کوتاه حضور در این جشنواره با ساخت فیلم کوتاه یا تماشای آن و بحث و گفت و گو درباره فیلم های کوتاه محقق می شود و رویای بلند به معنی این است که فیلمسازان جوان بتوانند در آینده سینمای ایران

استقبال از مهم ترین رویداد سینمایی سالانه «فیلم کوتاه» در این روزها، به گواه آمار و اعداد از ادوار گذشته بیشتر بوده است. فیلمسازان فیلم کوتاه بار دیگر در گداه های دید و بازدید در این جشن سالانه حضور می یابند و مخاطبان و هنرجویان نسل جدیدتر، نشان می دهند که در این زمانه و اوضاع، می توانند یک حضور پرشور واقعی را معنا کنند. فیلم های جشنواره در بخش اصلی (مسابقه داستانی ملی) در دو روز اول با ۴ سانس فوق العاده روبه رو شدند که این استقبال در شب سوم، این بار با ۳ سانس فوق العاده تکمیل شد و رکورد جدیدی در روزهای جشنواره به ثبت رسید؛ رکوردی که برای تازه تر شدن دو روز پایانی هفته را هم پیش رو دارد. سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و رائد فریدزاده، رئیس سازمان سینمایی عصر سه شنبه ۲۹ مهرماه در محل برگزاری جشنواره فیلم کوتاه حاضر

## باید روزنامه نگاری خردروز را تقویت کنیم

کسانی که به هوش مصنوعی توجه می کنند و روی آن سرمایه گذاری می کنند، از خیلی چیزها عقب نمی مانند و ما هم باید این کار را انجام بدهیم. معتقدم در آینده شاهد یک خاورمیانه ارتباطی خواهیم بود در برابر خاورمیانه ضد ارتباطی که امروز شاهدش هستیم. نسل حکمرانان تغییر کرده است، نگاه مخاطبان عوض شده است، نسل زد و آلفا که فقط در ایران نیست در کل خاورمیانه است و نگاهها تغییر کرده است. اما اگر در روزنامه نگاری با اینکه هوشمندانه رفتار می کنیم، به وب هوشمند و روزنامه نگاری ریاتیگ توجه کنیم، باید به فکر تقویت روزنامه نگاری خردروز و خردکاو باشیم.



گزیده ای از صحبت های مجید رضاییان، استاد دانشگاه و پژوهشگر روزنامه نگاری با ایستا

نقش داشته باشند.»  
 صالحی، بخشی از استقبال از جشنواره فیلم کوتاه را به تاریخچه سینمای کوتاه در ایران مرتبط دانست و افزود: «برای همین است که امروز فیلم کوتاه در ایران به جایگاه شایسته ای رسیده است. این جشنواره برای فیلمسازان جوان ترکیبی از جسارت، خلاقیت و سکوی پرتاب به آینده سینماست.»  
 او درباره جشنواره فجر فیلم هم توضیح داد: «هنوز مسیر جشنواره فیلم فجر پیموده نشده و اقدامات برگزاری آن در جریان است. در نظر داریم در این جشنواره هم از حضور حداکثری فیلمسازان استفاده کنیم و امیدواریم با تولیدات خوب شاهد جشنواره خوبی باشیم.»

آینده سینماست.»

گروه بازیگران وجود دارد. در قسمت اول بسیاری از شخصیت های اصلی حضور داشتند که از میان آنها بازی لاله اسکندری و مرجانه گلچین بیش از دیگران به چشم آمد. البته که بازیگران اصلی سریال ترلان پروانه و نوید پورفرج هستند که باید ببینیم نتیجه بازی آنها چطور از آب درآمده و آیا توانسته اند یکی از معروف ترین عاشقانه های ادبیات معاصر ایران را درست به تصویر بکشند یا خیر. از این جهت که رمان «بامداد خمار» رمان مشهوری بوده، کار بازیگران برای ایفای نقش این شخصیت ها به نسبت آثار کمتر شناخته شده، سخت تر است و قطعاً مخاطبان پیگیر این سریال، با ذره بین بازی بازیگران را زیر نظر دارند و این موضوعی است که پس از چند قسمت و پرزنگ تر شدن بُعد عاشقانه قصه می توان بهتر و راحت تر در رابطه با آن سخن گفت. در مجموع می توان گفت «بامداد خمار» شروع امیدوارکننده ای داشته و اگر در ادامه بخش بتواند میان وجه عاشقانه و اجتماعی موجود در قصه تعادلی حرفه ای و هنری برقرار کند، به احتمال زیاد به یک نمونه موفق در زمینه سریال های اقتباسی تبدیل می شود.

با پخش اولین قسمت «بامداد خمار» می توان گفت این مجموعه نمایشی یکی از جدی ترین تلاش ها برای پیوند دادن رمان محبوب ایرانی با هنر نمایش است

ورود کرده و «بامداد خمار» اولین تجربه او در این حوزه است و پس از آن «سوشون» را ساخت. البته که به دلایل نامشخص پخش سریال دوم از اولی زودتر آغاز شد. این فیلمساز برای هر دو سریالی که ساخته به سراغ رمان های محبوب معاصر رفته، رمان هایی که هر دو جزو آثار محبوب هستند و البته حال و هوایی متفاوت با یکدیگر دارند. در خصوص «سوشون» و فضای آن و نوع اقتباسی که آبیاری از این کتاب داشته، پیش از این زیاد صحبت شده و سوژه این مطلب سریال «بامداد خمار» است، اثری که بر اساس قسمت اول مشخص شد بر خلاف «سوشون» خبری از اقتباس نعل به نعل نیست و آبیاری اینجا تفاوت هایی را هم در داستان و وضعیت شخصیت ها ایجاد کرده است. در کتاب (در بخش های ابتدایی داستان) شخصیت ها همه در یک ساختمان هستند و از دل گفت و گو هایی که همان ابتدا با هم دارند به گذشته سرک می کشیم، اما در سریال، ما فضای بیرونی محل زندگی شخصیت ها را می بینیم و شرایط اجتماعی آن سال ها نیز در دل کار کنجاند شده است.

## نقد

مهرداد پارسی  
منتقد سینما

پخش سریال «بامداد خمار» به کارگردانی نرگس آبیاری از دوشنبه شب در پلتفرم شیدا آغاز شد و ظاهراً از همین قسمت اول نیز در جلب نظر مثبت مخاطبان و منتقدان موفق بوده؛ اثری که با اقتباس از رمان «بامداد خمار» به قلم فتنه حاج سید جوادی ساخته شده است؛ رمانی که یکی از پرفروش ترین و پرخواننده ترین آثار دهه هفتاد بود و در زمان انتشار سررودهای زیادی به راه انداخت و بسیار مورد توجه قرار گرفت. حالا که اولین قسمت این سریال منتشر شده، می توان گفت که «بامداد خمار» یکی از جدی ترین تلاش ها برای پیوند دادن رمان محبوب ایرانی با هنر نمایش است. نرگس آبیاری که پیش تر با فیلم هایی چون «ششایر» (۱۴۳)، «نفس» (که ماه کامل شد» و «الباقی» توانسته بود نام خود را در میان مهم ترین کارگردانان زن سینمای ایران ثبت کند، مدتی است به فضای سریال سازی



## روایتی عاشقانه از رمان محبوب دهه ۷۰

# بامدادی که خمار نیست

## یادداشت



جعفر کوردوزی  
رئیس انجمن منتقدان سینما

## از جلد کتاب تا قاب نمایش

درباره اقتباس ادبی در سریال سازی



دومین سریال نرگس آبیاری هم به نوبت پخش رسید و قسمت اول «بامداد خمار» در شبکه نمایش خانگی به نمایش درآمد. حالا او با دو سریال «سوشون» و «بامداد خمار» شاید تنها کارگردانی باشد که برای اولین بار همزمان دو سریال در چرخه اکران نمایش خانگی دارد اما آنچه در این میان این دو سریال را به هم گره می زند، تنها کارگردان مشترک آنها نیست، بلکه اقتباسی بودن آن است که البته این به خود کارگردان هم برمی گردد که از نویسندگی به فیلمسازی بل زده و ادبیات را به سینما پیوند داده است. فارغ از کم و کیف این دو سریال و نقاط ضعف و قوتش که باید در جای خود مورد نقد و بررسی قرار بگیرد، این یک فرصت و امتیاز برای صنعت سریال سازی ماست که به سراغ رمان و ادبیات داستانی رفته و اقتباس ادبی را جدی گرفته است. هرگاه که سخن از مشکل فیلمنامه در سینمای ایران مطرح می شود، جای خالی یا کم رنگ ادبیات داستانی و اقتباس ادبی در سینمای ما به گونان اصلی سخن تبدیل می شود. اینکه سینمای ما کمتر سراغ ادبیات رفته و از آن برای پر ساختن غنی و پرکشیدن خود بهره می برد. از سوی دیگر بسیاری از فیلم های که مصادق از اقتباس ادبی در سینما بودند، هم مورد توجه مخاطبان و منتقدان قرار گرفتند، هم توانستند در جشنواره های سینمایی بدرخشند. داریوش مهرجویی از جمله فیلمسازانی است که می توان او را کارگردانی موفق در ساخت فیلم های اقتباسی دانست. سه فیلم «گاو»، «درخت گلایی» و «بانو» نشان می دهند که مهرجویی چقدر خوب توانسته است قصه های راز ادبیات داستانی در جهان سینمایی و نمایشی بازآفرینی کند. با این حال رابطه بین ادبیات و سینما در ایران اغلب یک رابطه و نسبت موازی بوده است و گاهی که در تقاطعی به هم گره خوردند، توانستند گره گشایی کنند. موج نوی سینمای ایران هم کمک کرد تا امکان گفت و گو و دیالکتیک بین ادبیات و سینما بیشتر شود. از این رو باید ساخت دو سریال «سوشون» و «بامداد خمار» را به فال نیک گرفت و امیدوار بود که این به یک جریان جدی و تأثیر گذار در سریال سازی تبدیل شود و دیگران هم به سراغ ادبیات داستانی و ساخت سریال هایی اقتباسی رفته و امکانی برای غنی تر شدن فیلمنامه ها و رشد کیفی تولیدات نمایشی فراهم شود. تولیدات سریال های اقتباسی به نفع هر دو است؛ هم ادبیات و هم سینما. سینمای می تواند از غنای داستانی ادبیات بهره ببرد و ادبیات هم به واسطه ساخت سریال های اقتباسی از شناس بیشتر برای خواننده شدن برخوردار می شود. چنان که تقاضا برای خرید کتاب «سوشون» افزایش یافت و نظری رسد این اتفاق برای کتاب «بامداد خمار» هم تکرار شود. شاید تنها راه رشد هنر ما همین تعامل های هنری باشد.

## افتخار و شاهکاری دیگر از متخصصان فولاد خوزستان در مسیر پیشرفت؛ از تعویض «بیس سگمنت» تا نقشه بومی سازی و صرفه جویی ارزی در فولاد خوزستان

تعویض استراکچر اصلی بیس سگمنت های ریخته گری اسلب ۱ در شرکت فولاد خوزستان، در نگاه اول یک خبر کارگاہی است؛ اما هر کس منطق تولید پیوسته را بشناسد می داند اینجا درباره یک اقدام با اهمیت و شاهکاری از متخصصان صنعت فولاد خوزستان حرف می زنیم. جایی که در قوس ۱۲ متری، انجماد ثانویه، هم راستاسازی غلطک ها، توزیع آب خنک و فشار هیدرولیک باید بی نقص باشد تا تختال، سالم و یکنواخت از دل ماشین بیرون بیاید. انجام این جراحی حساس با اتکای کامل به توان داخل، فقط یک تعمیر موفق نبود؛ بیانه ای بود درباره مسیر فولاد خوزستان؛ کاهش وابستگی، کوتاه کردن توقفات، بالا بردن اثربخشی کلی تجهیزات و از همه مهم تر ذخیره کردن ارز در روزگاری که هر دقیقه توقف و هر قطعه وارداتی، هزینه ای مضاعف است.

این بیانه خوبی است تا تصویر بزرگ تر را ببینیم. سال های اخیر، فولاد خوزستان برنامه بومی سازی را از سطح شعار به سطح اقدام برده است؛ از مهندسی معکوس قطعات تحریمی و ساخت غلطک ها، جک های هیدرولیک، هدرهای آب و افشانک های دقیق اسپری تا بازسازی و ارتقای یونیت های روغن کاری و کولینگ با همکاری شرکت های دانش بنیان داخلی. همین منطق در پروژه های بزرگ تر نیز بگیری شده است؛ مگامدول «مزمزم ۳» با سهم بالای ساخت داخل و شبکه ای از صداها شرکت دانش بنیان، یک نمونه روشن از تبدیل محدودیت به ظرفیت است. در لایه کنترل و داده هم استقرار اتوماسیون پیشرفته، پایش هوشمند توقفات و نگهداشت پیش بیانه، همان کاری را می کند که امروز در بیس سگمنت دیدیم؛ فرسایش های پنهان را به اقدام پیشگیرانه تبدیل می کند.

صرفه جویی ارزی این رویکرد، فقط از محل «جایگزینی واردات» نیست؛ نخست، ساخت داخل قطعات پیرسک که مستقیماً نیاز ارزی را کم می کند. دوم، کاهش مدت فراوانی توقفات که زبان فرصت فروش را پایین می آورد. در واقع هر ساعت ریخته گری که نایستد، معادل ده ها هزار دلار ارزش تولید است. سوم، کوتاه شدن زمان تأمین (Lead Time) و کوچک شدن انبار قطعات استراتژیک که هزینه خواب سرمایه را می کاهد. جمع این سه، همان جایی است که «دانش بنیان» نمود و ظهور پیدا می کند.

دستاورد امروز در ریخته گری اسلب، با سایر حلقه های عملکردی فولاد خوزستان هم راستاست؛ در بالادست، سنایاد با ظرفیت کنسانتره و گندله درون گروهی، ریسک خوراک و مواد اولیه را مهار می کند؛ در انرژی، مسیر خوداتکایی، شوک های شبکه را بی اثر می سازد؛ در محیط زیست، اجرای توری باد برای مهار غبار و بازچرخانی سیاب، نشان می دهد ارتقای کیفیت و پایداری تولید، با استانداردهای سبز همسو شده است. حاصل این هم افزایی ها آرامش ابراتور، پیش بینی پذیری برنامه تولید و اعتماد بازار به کیفیت محصول است.

آری وقتی جراحی حساس بیس سگمنت با دست توانمند ایرانی نتیجه می دهد، معنایش این است که فولاد خوزستان از «صرف کننده فن اوری» به «سامان دهنده فن اوری» ارتقا یافته است. این خبر فقط درباره یک سازه فلزی نبود؛ درباره تثبیت یک سیاست منطقی است که در آن کیفیت، زمان و ارز، هم زمان صرفه جویی می شوند.

# دستاوردهای پروژه تعویض استراکچر بیس سگمنت های ماشین ریخته گری اسلب ۱

## Replacing the base structure of the slab casting machine segments

نوسازی، نصب و تنظیم استراکچر بیس سگمنت های خطوط ۱ و ۲ ماشین ریخته گری اسلب ۱ برای اولین بار از زمان نصب

الایمنت ۲۲ عدد گاید سگمنت بدون حضور کارشناسان خارجی با شعاع ۱۲۰۰۰ میلی متر قوس ریخته گری با دقت ۰٫۱ میلی متر

نصب و تنظیم بیس استند میز قالب و اسیلاتور هر دو خط ماشین ریخته گری اسلب ۱ برای اولین بار از زمان نصب

مهندسی معکوس قطعات استراتژیک مانند مجموعه اسیلاتور، پوشکار، مجموعه تورچکار و ... برای اولین بار

افزایش کیفیت شمش اسلب و پایداری تولید از طریق کاهش توقفات

" دستیابی به دانش فنی نصب استراکچر قوسی شکل ماشین ریخته گری اسلب در راستای خودکفایی صنعت استراتژیک فولاد "